

گزارش
روزنامه صبا
از جایگاه منتقدان
در سینمای امروز
ایران

چگونه

نقد فیلم

در ایران از متن جدا شد؟

سینما
گزارش

موضوع «منتقدان و
سینما» یکی از
بحث‌برانگیزترین و در عین حال

مغفول‌ترین بخش‌های فضای فرهنگی ایران در سال‌های اخیر است. زمانی نقد فیلم ابزاری برای تعمیق گفت‌وگوهای فرهنگی و هدایت سلیقه عمومی بود، اما امروز این جایگاه دستخوش دگرگونی شده است. بسیاری از منتقدان صاحب‌نام به حاشیه رانده شده یا سکوت اختیار کرده‌اند، در حالی که نقدهای شتاب‌زده، غیر تخصصی و گاه نمایشی در فضای مجازی رواج یافته‌اند. این تغییرات نه تنها مرجعیت منتقدان را تضعیف کرده، بلکه رابطه میان سینما، مخاطب و تحلیل را نیز دچار گسست کرده است. بررسی این روند، ما را به نقطه‌ای می‌رساند که در آن باید از آینده نقد، امکان باز تعریف آن و نقش رسانه‌ها در این مسیر سخن گفت.

خاستگاه نقد سینمایی در ایران

اولین نقدهای سینمایی در ایران را می‌توان در روزنامه «ایران نو» پس از انقلاب مشروطه یافت. این روزنامه یکی از نشریات مهم دوران مشروطه بود که به مسائل روز جامعه می‌پرداخت. انتشار مقاله «سینما به عنوان ابزار تمدن جدید» در این روزنامه به عنوان اولین نقد سینمایی جدی در ایران شناخته می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که ورود سینما به جامعه ایران با چالش‌ها و مخالفت‌هایی همراه است. بنابراین اولین جرعه‌های نقد سینمایی در ایران به دهه ۱۳۲۰ برمی‌گردد، زمانی که نشریاتی چون «پیک سینما» و «سینما و هنر» پا گرفتند. اما نقد به معنای حرفه‌ای و تحلیلی، با تأسیس مجله فیلم در سال ۱۳۶۱ شکلی جدی‌تر یافت. منتقدانی همچون هوشنگ گلمکانی، سعید عقیقی، امیر قادری، کیوان کثیریان و مازیار اسلامی در دهه‌های بعد نقش محوری در شکل دادن به گفتمان سینمایی ایران داشتند. نقد فیلم در ایران، به ویژه از دهه ۱۳۷۰ به بعد، هم‌زمان با رشد سینمای معنارگرا، تبدیل به بخشی جدایی‌ناپذیر از فضای فرهنگی کشور شد. جایگاه منتقدان در این دوران، به ویژه در مطبوعات تخصصی و محافل هنری، چنان محکم بود که گاه حتی مسیر تولید یا موفقیت یک فیلم را تغییر می‌دادند.

دهه ۱۳۸۰؛ ورود رسانه‌های جدید و تنوع دیدگاه‌ها

در دهه ۸۰، با رشد اینترنت و وبلاگ‌نویسی، نقد از انحصار مطبوعات خارج شد و منتقدان از زاویه‌های تازه‌تری به نقد پرداختند. از ویژگی‌های این دوره می‌توان به ترکیب نقد تحلیلی و شخصی؛ نقدهایی با لحن روایی و تجربی، گاه به شکل مقاله‌های خاطره‌محور و تأثیر ژورنالیسم سینمایی بر نقدها سریع‌تر، عمومی‌تر، و گاه تبلیغ‌محورتر اشاره کرد. همچنین در این دوره گسترش نقد را در رسانه‌های تصویری مانند نقد در برنامه‌های تلویزیونی را شاهد هستیم.

دهه ۱۳۷۰؛ شکوفایی نقد و تثبیت منتقدان

دهه ۷۰ را می‌توان دهه طلایی نقد سینمایی ایران دانست. در این دوره، منتقدان نه تنها در مطبوعات تخصصی، بلکه در روزنامه‌های جریان

دهه ۱۳۹۰ تا امروز؛ افول جایگاه منتقدان در فضای رسمی

در دهه اخیر، عوامل متعددی باعث کاهش اثرگذاری

مهاجرت نقد از رسانه به فضای مجازی

در ادامه به روند تغییر بسترهای انتشار نقد، ظهور انسان رسانه‌ها (شخصیت‌های فردی با تربیون

مستقل در فضای مجازی)، و چالش‌های نقد غیرآکادمیک می‌پردازیم. تا دو دهه پیش، منتقدان سینما در ایران در صفحات رسمی روزنامه‌ها، مجلات تخصصی و برنامه‌های رسانه ملی، با ادبیات و ساختاری جدی به نقد آثار سینمایی می‌پرداختند. اما با گسترش اینترنت و فضای مجازی، نقد فیلم نیز مسیر تازه‌ای یافت؛ مسیری که در آن، هر کسی می‌تواند منتقد باشد حتی بدون دانش آکادمیک یا تجربه حرفه‌ای. این پدیده، نقد سینمایی را به دموکراتیک‌ترین و در عین حال پراشوب‌ترین شکل خود رسانده است.

گذار به فضای مجازی؛ فروپاشی مرزها، گسترش صداها

در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰، منتقد شخصی بود با سابقه، دانش سینمایی، و تعهد به استانداردهای نوشتار تحلیلی - نقد در آن زمان بیشتر محصول مطالعه، تجربه، و نثر روشنفکرانه بود تا دیده‌شدن و جذب فالوئر. منتقدانی که در قالب یادداشت، مقاله و مناظره، با نگاهی تحلیلی و گاه تئوریک، نقد را به مثابه یک کنش روشنفکری ارائه می‌دادند.

اما از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰، با رواج اینستاگرام، تلگرام و پلتفرم‌هایی چون آپارات، یوتیوب و بعدتر توئیتر، صحنه نقد به طرز بنیادینی تغییر کرد. اکنون، دیگر منتقدان قدیمی تنها صداهای موجود نبودند و با مهاجرت نقد از رسانه‌های رسمی به فضای مجازی؛ اتفاقات تازه‌ای در نقد افتاد که آن را بیشتر از یک منشاء تک وجهی به یک گفتمان چند وجهی تغییر داد، از جمله ویژگی‌های این مهاجرت؛ حذف واسطه (رسانه) بود. حالا صاحب صدا، مستقیماً به مخاطب متصل می‌شد و همین نکته سبب شکسته شدن زبان رسمی و ظهور لحن محاوره‌ای، شوخی‌محور یا کاملاً شخصی شد و همچنین با توجه به تفاوتی که سیطره‌ی پلتفرم‌ها با محتوای رسمی رسانه داشتند، مسائلی چون محدودیت زمان، سرعت انتشار، و الگوریتم جذب مخاطب به اولویت اصلی تبدیل شد، این تغییرات سبب ترکیب نقد با سرگرمی، واکنش سریع، و سبک «اکشن-ری اکشن» شد.

منتقدان شده‌اند، عواملی چون؛ افزایش سانسور رسانه‌ای و خطوط قرمز رسمی برای نقد برخی فیلم‌ها. رشد اینفلوئنسرها و کاربران عادی که با نقدهای سطحی و غیرتخصصی مخاطب بیشتری جذب می‌کنند. جایگزینی نقد با روابط عمومی فیلم‌ها؛ در بسیاری موارد «نقد» به جای تحلیل، به ستایش و تبلیغ تبدیل شده است. در این باره منتقدانی مانند خسرو نقیعی، آرش خوش‌خو، یا آزاده مویدی فر بارها به حاشیه‌رفتن نقد جدی و ظهور «تبلیغات با ظاهر نقد» اعتراض کرده‌اند.

تا اینکه در دهه ۱۴۰۰، شاهد افول جدی این جایگاه هستیم؛ پرسش اینجاست: چه شد که نقد از یک صدای مؤثر فرهنگی، به حاشیه رفت؟ و چرا اعتماد مردم به منتقدان برای دیدن یا ندیدن یک فیلم کم شد؟ در شرایط کنونی، مرز بین منتقد حرفه‌ای، نویسنده محتوای سینمایی، و تولیدکننده محتوای سرگرم‌کننده در فضای مجازی بسیار کمرنگ شده است. و با وجود اینکه منتقدانی همچنان به‌طور مستقل و مبتنی بر دانش آکادمیک فعالیت می‌کنند، اما جایگاهشان نسبت به گذشته بسیار محدود شده است و از یک مرجع فرهنگی تأثیرگذار به ابزاری کم‌اثر و کم‌صدا تبدیل شده است. در این میان بازتعریف نقد و احیای اعتماد عمومی نسبت به آن، شاید گام کوچکی باشد برای نجات سینما از دام کلیشه، تبلیغات و سطحی‌نگری.